

۲ پارادایم دانش، فلسفه پژوهش و روش شناسی

۱۲ روش شناسی تحلیل تفسیر سور قرآن کریم

۲۰ جایی که ایستاده‌ام

۲۲ مناسبات فقه و علوم انسانی

۳۶ فقه نظام، ولایت فقه دین

۳۸ اندیشه پیشرفت در اندیشه علامه جعفری رحمته



خبرنامه داخلی

مرکز تحقیقات استراتژیک توسعه (رشد)  
سال هشتم، شماره نهم، دی و بهمن ۱۳۹۹

به نام خداوندگار حکمت تغییر

### پیش حکایت

مادر جهان تازه‌ای زندگی می‌کنیم و از منظر ساحت نظام مسئله‌ها و انتظارات با حوزه‌هایی چون حوزه رویدادگی انسانی، فردیت رشد تا عرصه‌های فردی، اجتماعی، تمدنی تا الگوی سبک زندگی تا سطوح تجربه عارفانه روبرو هستیم. اینک ساحت این مسئله‌ها و انتظارات از حوزه پارادایم پژوهشی تا فلسفه‌های مضاف تا حوزه عمل و معرفت تجربه‌پذیر را با تأکید بر عرصه پیشرفت ایران شامل می‌شود. هرگونه نظریه درباره نسبت دین و عینیت، ایرانی بودن و دینی بودن پیشرفت (ایران شهر-دین شهر)، باید بتواند این ساحت و ژرفا را از پارادایم تا تجربه‌پذیری ناظر به جهان معاصر ایرانی شامل شده و مد نظر قرار دهد. مأموریت مرکز تحقیقات استراتژیک توسعه (رشد) را از این چشم‌انداز می‌توان تحلیل کرد.

بر این پایه گزارش دستاوردهای دو ماهه دی و بهمن این نهاد تحقیقاتی در پروژه‌های برجسته هر گروه پژوهشی در این فرصت مرور می‌شود

۱. در گروه پژوهش‌های نظری و مطالعات مبنا دو گزارش «ضرورت و انواع تعریف فلسفه دین» و «پارادایم دانش، فلسفه پژوهش و روش شناسی» معرفی می‌شود؛  
۲. در گروه پژوهش تفسیری فرازهای گام تازه پژوهش در «ویژگی‌های اهل نفاق در سوره بقره»، «ظرفیت بخشی نهاد خانواده و نمونه اقلام مدخلی امر اجتماعی» با سوره نساء، «نقد پارادایمی اهل کفر» با سوره انعام، «از زیستمان انسانی رهسپار امر سیاسی در متن امر مدنی» با سوره انفال، «میثاق ملی در پاس بانی از مدنیت رشد» با سوره توبه، «روش شناسی تحلیل تفسیر سور قرآن کریم»، «نگاه آغازین نظام تنزیل»، «الزامات روش شناختی تفسیر سازوکاری» و «اصول اجتهاد تفسیری در آراء شهید صدر رحمته» مرور می‌شود؛

۳. در گروه اخلاق و سبک زندگی با گزارش «نیایش در حق پدر و مادر» با صحیفه سجادیه و نیز گزارش «جایی که ایستاده‌ام» با دعای ابو حمزه پیش روست؛

۴. گروه پژوهشی فقه و حقوق نیز «مناسبات فقه و علوم انسانی»، «روش پژوهش تفسیری، راهبر به مدل معارفی و مفهومی دین قرآنی» و «روش شناسی در تاریخ» را آغاز نموده است؛

۵. گروه پژوهش علوم انسانی در این مرحله از کتاب «گفتگوهای اقتدار توسعه‌ای علوم انسانی» به «مسئله اقتدار توسعه‌ای علوم انسانی و بایستگی‌های پیش رو» نظر افکنده است؛

۶. در گروه تحقیق و توسعه و مطالعات راهبردی بحث تدابیر سند الگوی پایه پیشرفت در گزارش «مبانی و آرمان در قرارداد ملی پیشرفت» و هم چنین سه گزارش «مدنیت جهان ایرانی در آستانه مدرنیته درون‌زای خود»، «اجرای سازی و پایش سند الگوی پایه پیشرفت» و «فقه نظام، ولایت فقه دین» در دستور تأمل است؛

۷. در گروه پژوهش‌های هنری گزارش «از فلسفه شهر به فقه شهر» معرفی می‌شود؛

۸. انجمن علمی هم‌اندیشی پیشرفت در فرصت خویش به «اندیشه پیشرفت در اندیشه علامه جعفری رحمته» پرداخت و در ادامه رویدادهای دی و بهمن ۹۹، گزارش «نشست گفتمان علمی انقلاب اسلامی» و «نقدی بر دو الگوی شرقی و غربی توسعه» و دو گزارش چاپ اثر شعری «آخرین فصل پیش از آغاز» و چاپ اثر «رویکرد به تفسیر پیشرفت شناخت قرآن کریم» پیش روست.

دبیر علمی

## پردازش مبانی پارادایمی و نظری اندیشه پیشرفت

دبیر علمی: احمد آکوچکیان

در گروه پژوهش‌های نظری و مطالعات مینا، در فصل پردازش مبانی پارادایمی و نظری اندیشه پیشرفت، با نظر به دو دستاورد این گروه، پروژه «ضرورت و انواع تعریف فلسفه دین» معرفی می‌شود که در راستای مباحث فلسفه دین با ویرایش تازه‌ای روبرو می‌شود و گزارش «پارادایم دانش، فلسفه پژوهش و روش‌شناسی» نیز در دستور تأمل آمده است.

## انواع تعریف فلسفه دین

در نگاه آغازین، فلسفه دین پژوهش برهانی، دلالتی و هرمنوتیک از اصل چیستی و چرایی دین در سه ساحت کلیت معنایی دین - الهیاتی و غیر الهیاتی، کلیت معنای الهیاتی مشترک در میان ادیان الهیاتی و کلیت معنای الهیاتی خاص دین اسلام در ساحت فرامتنی دین (درون‌متنی و بیرون‌متنی) است. پژوهش‌گران این عرصه تعاریف برگزیده چندی را در دو لایه معنایی تعریف این دانش نوظهور به پژوهش عقلانی دین و دفاع عقلانی دین داشته‌اند که در این فراز تحلیل مرور می‌کنیم:

## ۱. دیدگاه تعریف‌ناپذیری

برخی از صاحب‌نظران بر این باورند که فلسفه دین، تن به تعریف نمی‌دهد و ارائه تعریفی جامع و مانع برای آن امکان‌پذیر نیست. دکتر «اتینگن» - کشیش و متخصص آلمانی در رشته الهیات - در این باره چنین می‌گوید:

«اصطلاح فلسفه دین، چنان مبهم است که هیچ تعریف جامعی درباره آن وجود ندارد. به نظر می‌رسد هیچ‌کس نتواند تعریف دقیق و جامعی از فلسفه دین مطرح کند. تا وقتی فلسفه تعریف خاص و روشنی ندارد، چطور می‌توان تعریف روشنی برای فلسفه دین ذکر کرد؟».

## ۲. دفاع عقلانی از دین

عده‌ای دیگر از صاحب‌نظران، فلسفه دین را به دفاع عقلانی از دین تعریف کرده‌اند. جان هیک در این باره می‌گوید: «زمانی فلسفه دین کلاً به معنای تفکر فلسفی در باب دین، یعنی دفاع فلسفی از اعتقادات دین دانسته می‌شود؛ فلسفه دین به عنوان ادامه‌دهنده نقش و کارکرد الهیات طبیعی (Natural Theology) (عقلانی) که متمایز از الهیات وحیانی (Revealed Theology) بود، شناخته می‌گردید. غایت آن،

## ضرورت و انواع تعریف فلسفه دین

سلسله نشست‌های انجمن «جهان دینی - جهان جدید» با حضور اساتید صاحب‌نظر در این حوزه در گام دی و بهمن ماه، در بازخوانی فهرست کتاب، بحث از تعریف فلسفه دین را در دستور کار خود داشت.

## ضرورت تعریف فلسفه دین

حجت‌الاسلام والمسلمین آکوچکیان: مفاهیم بین‌الذلهانی و ترسیم یک ساحت حداقلی در دامنه مفهومی دو عرصه فلسفه دین و دین‌پژوهی در هستی‌شناسی دین به قصد سامان‌بخشی زمینه اندیشه‌ای و پارادایم‌پژوهی برای ورود به حوزه‌های معرفت‌شناسی و روش‌شناسی دین و فکر دینی ما را ناگزیر از یک تعریف اولیه می‌سازد. اگرچه ترسیم ساختار دقیق این عرصه دانشی اندکی دشوار به نظر می‌رسد، لیکن با فرض لحاظ حوزه معرفت‌شناسی و شکل‌گیری به تدریج

چند دهه‌ای حوزه فلسفه فلسفه دین و فلسفه دین‌پژوهی، خواه یا ناخواه تعاریف اولیه به میان آمده‌اند و باید صبوری نمود که به تدریج و در پختگی افزون‌تر این فلسفه مضاف، دامنه مفهومی فلسفه دین نیز به روشنی افزون‌تری گراید؛ به ویژه آن‌که با رهسپاری به تفصیل معنای تخصصی فلسفه در هر دو مقوله فلسفه مضاف به علم و به وجود و موجود و نیز دامنه معنایی تخصصی تفصیلی ادیان الهیاتی و به طور خاص دین اسلام، فرصت تعریف روشن‌تری برای هستی‌شناسی یا فلسفه دین اسلام مهیا است.

مراسم عبادی و اندیشه‌ای را که این نظام‌های عقیدتی بر آن مبتنی هستند، مورد مطالعه قرار می‌دهد؛ مانند فلسفه حقوق است نسبت به حوزه مطالعات حقوقی و مفاهیم و دلایل قضایی و مانند فلسفه هنر است نسبت به پدیده‌های هنری و نسبت به معقولات و روش‌های مباحث زیبایی‌شناسی»؛

۳. اندکی آن تعریف اولیه را توسعه می‌دهیم رونالد هپ برن: «فلسفه دین بررسی فلسفی مفاهیم، مباحث و ادعاهای دینی و شواهد و استدلال‌هایی است که در مورد آن‌ها مطرح می‌شود»؛

۴. از کلیت دین به کلیت دین الهیاتی روی می‌کنیم و تعریف پیشین را تفصیل بیشتری می‌دهیم. پروفیسور هولینگ: «فلسفه دین در تلاش است تا برآوردی انتقادی از اعتقادات مختلف مذهبی، بر مبنای عقلانی ارائه نماید، مهم‌ترین بخش فلسفه دین، نظریه فلسفی درباره خدا، یعنی نظریه‌ای درباره خدا مبتنی بر عقل است؛ بنابراین، سازمان‌های گوناگون فلسفی، امکان وجود و حضور می‌یابند و در نتیجه، سازمان‌های مختلف فلسفه دین نیز وجود خواهد داشت. این سازمان‌ها به خاطر برداشت‌های مختلف از عقل و منابع متفاوت تجربه با یکدیگر تفاوت خواهند داشت». نمونه دیگر این قسم از تعریف ویلیام پی، آلستون: «فلسفه دین کوششی برای بررسی دقیق عقلانی دعاوی یک دین و داوری درباره آن است». «غالباً مشغولیت فلسفه دین تا حد زیادی بررسی دلایل له و علیه اقسام باورهای بنیادی دین، به ویژه بررسی براهین گوناگون وجود خدا بوده است»؛

۵. اجزای تحلیلی فلسفه دین در سطحی تفکیکی‌تر و تحلیلی‌تر با نظریه پاپکین و استرول قابل پیگیری است: «آن شاخه فلسفه که به فلسفه دین موسوم است، بالضروره ربطی به توجیه یا انکار قدر و ارزش دعاوی ویژه هر دین خاصی ندارد؛ بلکه آنچه مورد توجه در این قسمت از فلسفه است، مطالعه مسایل عقلی‌ای است که در بررسی نظریات دینی مطرح می‌شود. این مسایل، به طور معمول یا مسایل خاصی است که با نظریه‌شناسایی که در مورد شناسایی دینی به کار می‌رود مرتبط است، یا مسایل ما بعد الطبیعه است که ادیان گوناگون برای تبیین رضایت‌بخش و مقطعی بعضی از مفاهیم، به کار برده‌اند».

اثبات وجود خدا از طریق براهین عقلی بود و از این‌رو راه را برای مدعیان وحی هموار می‌کرد».

جان هاسپرز نیز وظیفه فلسفه دین را براهانی کردن اعتقاد دانسته و گفته است:

«کار فلسفه در حوزه دین - همان‌طور که همواره چنین بوده است - براهانی کردن اعتقاد است».

این اصطلاح، امروزه رایج نیست و همان‌گونه که در کلام جان هیک به آن اشاره گردید، فلسفه دین به این معنا به علم کلام و الهیات عقلانی بازمی‌گردد.

۳. پژوهش فلسفی درباره آموزه‌های دینی

فیلسوفان کلیت دین، فلسفه دین را به پژوهش فیلسوفانه درباره چیستی و چرایی دین، تعریف کرده‌اند. اصطلاح رایج فلسفه دین که قرینه سایر فلسفه‌های مضاف، مانند: فلسفه حقوق، فلسفه اخلاق، فلسفه علم و... است، عبارت است از پژوهش فیلسوفانه درباره آموزه‌های دینی. اینک اقوال تنی چند از صاحب‌نظران را در این باره از نظر می‌گذرانیم:

۱. پیش از ورود به هستی‌شناسی دین با این ذهنیت آغازین همراه باشیم که اندیشمندانی به فلسفه دین از منظر روش‌شناسی این هستی‌شناسی پرداخته‌اند چونان ایان باربور که بر آن است: «فلسفه دین کاربرد روش‌های انتقادی فلسفه، برای تبیین مقولات و مفاهیم سنن گوناگون دینی است، چنان‌که فلسفه علم عملکرد مشابهی برای علوم دارد»؛

۲. به متن هستی‌شناسی کلیت دین وارد شویم و از تعریف اولیه‌ای برای فلسفه دین آغاز می‌کنیم؛ جان هیک: «می‌توان اصطلاح فلسفه دین را در قیاس با اصطلاحاتی نظیر فلسفه علم، فلسفه هنر و... در معنای اخص آن، یعنی تفکر فلسفی در باب دین به کار برد. بنابراین فلسفه دین وسیله‌ای برای آموزش دین نیست. در واقع اساساً ضروری نیست از دیدگاه دینی به آن نگاه کنیم. کسانی که به خدا اعتقاد ندارند و افراد متدین یک‌سان می‌توانند به تفکر فلسفی در باب دین بپردازند. فلسفه دین مفاهیم و نظام‌های اقتصادی دینی و نیز پدیدارهای اصلی تجربه دینی و

“ مفاهیم بین‌الذهانی و ترسیم یک ساحت حداقلی در دامنه مفهومی دو عرصه فلسفه دین و دین‌پژوهی در هستی‌شناسی دین به قصد سامان‌بخشی زمینه اندیشه‌ای و پارادایم‌پژوهی برای ورود به حوزه‌های معرفت‌شناسی و روش‌شناسی دین و فکر دینی ما را ناگزیر از یک تعریف اولیه می‌سازد. اگرچه ترسیم ساختار دقیق این عرصه دانشی اندکی دشوار به نظر می‌رسد، لیکن با فرض لحاظ حوزه معرفت‌شناسی و شکل‌گیری به تدریج چند دهه‌ای حوزه فلسفه فلسفه دین و فلسفه دین‌پژوهی، خواه یا ناخواه تعاریف اولیه به میان آمده‌اند و باید صبوری نمود که به تدریج و در پختگی افزون‌تر این فلسفه مضاف، دامنه مفهومی فلسفه دین نیز به روشنی افزون‌تری گراید؛ به ویژه آن‌که با رهسپاری به تفصیل معنای تخصصی فلسفه در هر دو مقوله فلسفه مضاف به علم و به وجود و موجود و نیز دامنه معنایی تخصصی تفصیلی ادیان الهیاتی و به طور خاص دین اسلام، فرصت تعریف روشن‌تری برای هستی‌شناسی یا فلسفه دین اسلام مهیا است.



## پارادایم دانش، فلسفه پژوهش و روش‌شناسی

در سلسله نشست‌های پروژه پژوهشی «اجتهاد پارادایمی در تفسیر پیشرفت‌شناخت» دو مقوله «پارادایم دانش، فلسفه پژوهش و روش‌شناسی» و «مدخلی بر پارادایم اجتهاد تفسیری» مورد تأمل قرار گرفت.

### ۱. پارادایم دانش، فلسفه پژوهش و روش‌شناسی

اجتهاد تفسیری چونان هر گونه پژوهشی، فلسفه‌ای برای خود و در اساس، پارادایم مرجع خودیژه‌ای دارد. در سطح عملیاتی، فلسفه از طریق روش‌شناسی با تحقیق مرتبط است. این‌که یک محقق از چه روش‌شناسی استفاده می‌کند و بر اساس چه توجیحات منطقی از چنین روشی بهره می‌گیرد، ارتباط با فلسفه پژوهش تفسیری دارد. سه مسیر ارتباطی بین فلسفه و پژوهش تفسیری وجود دارد:

۱. در ابتدا فلسفه پژوهش تفسیری به محققان کمک می‌کند که روش‌های مورد استفاده را در یک مطالعه اصلاح و مشخص کنند؛ به طوری که در استراتژی کلی تحقیق استفاده شود و گام استنباط را به استنتاج و گام استنتاج را به کاربرد به حیث تحقیق و توسعه‌ای پیوند زند. این امر شواهد جمع‌آوری شده و منابع آن‌ها را نیز شامل می‌شود؛ مسیری که شواهد بر اساس آن تفسیر می‌شود و این‌که چگونه بر اساس این تفسیر می‌توان به پرسش‌های تحقیق پاسخ داد؛

۲. دانش فلسفه پژوهش تفسیری، محقق را قادر می‌سازد که روش‌شناسی‌ها و روش‌های مختلف را ارزیابی و از کارهای نامناسب و غیرلازم خودداری کند. این امر از طریق شناسایی محدودیت‌های خاصی که در هر یک از رویکردها وجود دارد، در همان مراحل ابتدایی انجام می‌گیرد. سطوح این روش‌شناسی‌ها در سه سطح فلسفه منطقی، فلسفه اصول و فلسفه اصول تحقیق و توسعه‌ای طبقه‌بندی شده و به تناسب مراحل تحقیق به کار گرفته می‌شود؛

۳. فلسفه پژوهش تفسیری، هم‌چنین به محققان کمک می‌کند که به گونه‌ای خلاقانه و ابداعی از روش‌هایی متناسب که پیش از این در خارج از تجارب محقق بوده‌اند، استفاده کند.

بنابراین، روش‌شناسی‌ها که راهنمای عمل

محقق‌اند، ریشه در فلسفه تحقیق دارند. این کارکرد در واقع، تأثیر مستقیم و غیرمستقیم فلسفه پژوهش تفسیری بر روش است. کاربرد و پیش‌فرض‌های فلسفی در شناسایی مسئله تحقیق، بستر نظری و ایدئولوژیکی تحقیق و

تبیین‌هایی است که در مورد شکل‌گیری مبانی فلسفه روش در سطوح سه‌گانه یادشده و بر این اساس انتخاب آشکار یا پنهان یک استراتژی از میان استراتژی‌های مختلف در مورد شناخت تا تدبیر جهان انسانی - اجتماعی موضوع مسئله، ارائه می‌شود. به طور خاص، تعهدات فلسفی (به طور مشخص مبانی فلسفه دینی، هستی‌شناسی

و معرفت‌شناسی برگزیده) تأثیر مستقیم بر روش‌هایی دارد که در تحقیقات مورد استفاده قرار می‌گیرند و نیز بر کارکردهایی دارد که موجب ایجاد اعتبار و اعتماد به نتایج حاصل این تحقیق می‌شود. این امر البته در ارتباط با موضوع ایجاد یا تولید «حقیقت» است.

### ۲. مدخلی بر پارادایم اجتهاد تفسیری

اجتهاد تفسیری در راستای سامانه پارادایم دانش، ساختار تحلیلی مستند به مبانی پارادایمی با سازه‌های درونی آن از هستی‌شناسی تا روش‌شناسی را با حیث مضربی به آموزه‌های منابع دین و به طور خاص قرآن کریم و سنت اولیایی دارد. مضرب‌های خودیژه افزون‌تر پارادایم اجتهاد تفسیری عبارتند از:

۱. فربهی و تخصصی شدن فصل‌هایی از سازه پارادایم علم به تناسب اوصاف درون‌زای اجتهاد تفسیری دین‌شناخت چونان ظهور فصل تخصصی فلسفه دین در ضمن هستی‌شناسی و حیث مقدمه گرفتن آن بر مبانی معرفت‌شناخت و فصل تفصیلی مبانی هستی‌شناخت؛

۲. فرآوری سطوح جدیدی بر سازه پارادایم علم در بخش‌های یادشده چونان ظهور عرصه فلسفه اصول در ذیل مبانی روش‌شناختی که خودیژه اجتهاد تفسیری است؛

۳. شکل‌گیری برخی از اصول مرجع در اصل هویت پارادایمی چونان ضرورت پیوستاری حوزه سمانتیک و هرمنوتیک، دیالکتیک نظر و عمل که لزومی از آن در پارادایم علم مدنظر نیست و در ماهیت پارادایم اجتهاد تفسیری مفروض نظر تلقی می‌شود.

“

دانش فلسفه پژوهش تفسیری، محقق را قادر می‌سازد که روش‌شناسی‌ها و روش‌های مختلف را ارزیابی و از کارهای نامناسب و غیرلازم خودداری کند. این امر از طریق شناسایی محدودیت‌های خاصی که در هر یک از رویکردها وجود دارد، در همان مراحل ابتدایی انجام می‌گیرد. سطوح این روش‌شناسی‌ها در سه سطح فلسفه منطقی، فلسفه اصول و فلسفه اصول تحقیق و توسعه‌ای طبقه‌بندی شده و به تناسب مراحل تحقیق به کار گرفته می‌شود.

”